



## تظنیر اصلاحیه (جهنم مسیحی)

### عصمت اسلامی

تکیه بی قید و شرط بر خداوند به عنوان وجود یکتایی که گناهکاران را نجات می دهد. نشانه فیض و لطف الهی به طور صریح در تصلیب عیسی مسیح دیده می شود که از دیدگاه لوتر، عبارت از ایثار و از خودگذشتگی خداوند به خاطر بشریت گناه آلود بود. طیف گوناگون مجتهدان کلیسا در نهایت، اعتقاد به گناه<sup>۰</sup> آلودگی انسان داشته و تنها درباره کیفیت رستگاری و گزینش رستگاران از سوی خداوند تفاوت سلیقه دارند.

از نظر تمام کلیسائیان، عیسی تنها به این خاطر مبعوث و مصلوب شد که لکه گناه را از پیشانی بشریت پاک کند و در حقیقت با کشیدن بار گناهان بشری به دوش خود، اسباب سعادت او را فراهم آورد. البته بشر نیز چندان دست خالی نیست؛ کلیسای کاتولیک برای حل این تناقض اعمالی را پیش بینی کرده است که اجرای آن ها تا حدودی بار گناهان ازلی و گناهان روزمره را از گرده بشر جدا می کند. یکی از این اعمال، غسل تعمید است که ظاهراً وظیفه آن شست و شوی انسان از گناه اولیه و فطری و هم گناهان واقعی اوست. اگرچه این عمل فرد را چنان تقدسی نمی بخشد که بتواند از دایره حدود و قیود انسانی خارج شود، با این حال تمام گروه های اصلاحگر مسیحی نیز به اشکال مختلف و طرق گوناگون این رسم و سنت مسیحی را باور دارند. غسل تعمید تنها یک بار

پایه اساسی در آخرت شناسی مسیحی، جهنم است و مقدمه ورود به جهنم، گناهان آدمی است. گناه درمسیحیت تنها بی دینی، کفر و یا پیروی از دیانت دیگری نیست، بلکه دوری از عمل نیک و درستکاری درعین ایمان نیز گناه است (عهد جدید، نامه یعقوب). از آن گذشته طبق تعاریف مجتهدان طراز اول کلیسا نظیر سنت اگوستین و پلاگیوس و حتی مسیحیان اصلاح طلبی نظیر کالون و لوتر، انسان ذاتاً گناهکار است زیرا که حامل گناه اولیه آدم و حوا است. مجرای انتقال گناه از نسلی به نسل دیگر، عمل تولید مثل و ازدواج است؛ با این تفاوت که امثال اگوستین این گناه را نازدودنی و دفع آن را بسته به لطف و عنایت الهی می دانستند. در این تلقی انسان برای رفع و دفع گناهان خود تقریباً بی اختیار است و تنها زمانی از آن خلاص می گردد که خدا بخواهد. اما پلاگیوس و بعدها لوتر و کالون و سایر همکیشان پروتستان آن ها که همانند سایر بزرگان کلیسا به گناه<sup>۰</sup> آلودگی انسان اعتقاد داشتند، بر این باور بودند که خداوند از روی لطف و عنایت انسان ها را شایسته و درستکار می داند و تعلق به این درستکاری تنها ازراه پای بندی به ایمان مذهبی میسر می گردد و بدون ایمان، هیچ کس به رستگاری نخواهد رسید. ایمان از نظر لوتر و یا پولس رسول عبارت است از اعتماد و



از نظر تمام کلیسائیان، عیسی تنها  
به این خاطر مبعوث و مصلوب شد  
که لکه گناه را از پیشانی بشریت  
پاک کند و در حقیقت با کشیدن بار  
گناهان بشری به دوش خود، اسباب  
سعادت او را فراهم آورد.

مجازات تعیین کرده باشد. در مدنیت، هر گناهی جرم نیست  
اما هر جرمی گناه است؛ مثل قصد و نیت دزدی و مقایسه آن  
با عمل دزدی. آرزوی مرگ کسی که زندگیش جز خرابی و  
درد و رنج برای آدمی چیز دیگری ندارد شاید گناه باشد اما  
جرم زمانی است که شخص درصدد اعمال این آرزو برآید. لذت  
بردن از آرزوی مرگ کسی که زندگی او برای سایر مردمان جز  
درد و رنج و مصیبت ثمر دیگری ندارد، حق هر انسانی است که  
از آن شخص در عذاب است. این آرزو را نمی توان گناه دانست  
زیرا چنین تمایلی از آن، ذاتی و جیلی طبع آدمی است که  
اگر آن را گناه بدانیم، همانند آن خواهد بود که انسان بودن را  
گناه تلقی کنیم.

و چه تفاوت عظیمی است میان آن چه که هابز می گوید و آن  
چه که کلیسا برپایه عبارات انجیلی تصویب می کرد؛ آن جا  
که می گوید: "گفته شده است که زنا مکن! ولی من می گویم  
که حتی اگر با نظر شهوت آلود به زنی نگاه کنی، همان لحظه  
در دل خود با او زنا کرده ای". شاید همین تلقی از انسان و  
گرایش های بالقوه ذهن و عقل او که ذاتی بشر است، پایه ای  
فراهم آورد تا عده ای برای سلب این امتیاز خدادادی یعنی  
ظرفیت بالقوه اندیشیدن و پرداختن ذهن به جهات گوناگون  
و آشکار و نهان یک شیء و پدیده، رهبانیت و تقدم ذهنیت بر  
عمل را بستایند:

ای برادر تو همه اندیشه ای  
مابقی تو استخوان و ریشه ای  
گر گل است اندیشه تو، گلشنی  
ور بود خاری ، توهیمه گلخنی  
جهنم مسیحی میراثی است که از یهود و عهد عتیق به

در تمام عمر انسان انجام می شود. عمل دیگر، توبه و طلب  
بخشایش است که وظیفه آن، تطهیر انسان گناهکار از گناهان  
جاری است.

توبه خود دارای مراتبی است که بدون رعایت آن مراتب، عمل  
توبه پذیرفته نمی شود. این مراحل عبارتند از :

۱- توبه و طلب مغفرت و اظهار تأسف عمیق از انجام گناهان.  
۲- اقرار و اعتراف به گناهان در نزد کشیشان. تا پیش از قرن  
۱۱ میلادی این عمل در حضور جمع مسیحیان صورت می  
گرفت اما از آن قرن به بعد جنبه خصوصی یافته و در حضور  
کشیش انجام می شود.

۳- اعلام بخشش و رضایت الهی از سوی کشیش با تعیین  
جرائم و پرداخت تاوان مانند روزه ، نماز یا کمک به فقرا.

۴- مرحله نجات و رهایی که به معنای آسودگی موقت از نتایج  
و تبعات گناه است. عمل آمرزش گناه، نوعاً لطف و فیض الهی  
را به همراه دارد.

به گفته توماس هابز، جامعه مدنی از تعبیر گناه به جرم  
خودداری می کند. هر قصد و نیتی تا زمانی که فعلیت نیابد،  
فقط تصور است و هیچ قانونی وجود ندارد که برای قصد و نیت



عهد جدید مفهوم جهنم را تقریباً با همان کیفیتی بیان کرده که در عهد قدیم دیده می شود.

می کشند و همه جا عفریت های شکنجه گر به عذاب دادن بدکاران مشغولند. بر گردن خطاکاران زنجیرهای آتش آویزان است و گاهی نیز گناهکاران را در دریایی از یخ فرو می کنند و بر بدنشان خراش می زند تا درد و رنج را بیشتر حس کنند.

از نظر مسیحیان این سرزمین به "ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغگویان" تعلق دارد که "نصیبشان دریاچه آفروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. یوحنا این مرحله از جهنم را موت ثانی یا مرگ دوم یا همان جهنم دائمی می داند که پس از رستاخیز نصیب جهنمیان می شود (مکاشفه یوحنا، ۸/۲۱).

هابز در این باره می نویسد: "پس آشکار است که آتش دوزخ که در این جا از آن با استعاره از آتش واقعی سدوم یاد می شود،

به معنی هیچ نوع مکان خاص یا عذابی نیست بلکه باید آن را به معنای کلی و نا معین به مفهوم نابودی گرفت... چنان که گویی پس از روز جزا دیگر مردن و به گور و دوزخ رفتن در کار نخواهد بود یعنی به Hades (در اساطیر یونان یعنی جهان تحتانی مردگان) رفتن منتفی است... و این به همان معناست که دیگر مرگی نخواهد بود."

در برخی از رسالات مسیحیان برای ارواح مسیحیان گناهکار اما تعمید یافته امتیاز خاصی



مسیحیت و عهد جدید رسیده است و به همان دلیل در آغاز مسیحیت فاقد موقعیت معین و معلوم بود. همان گونه که عهد عتیق از این مفهوم با اسامی متفاوتی نظیر گهتوم (جهنم)، هاویسه، هتوم یاد می کند، عهد جدید نیز همین عناوین و اسامی را برای آن به کار برده و به همان اندازه مجمل و حتی مبهم است. تعدد عناوین و در همان حال اجمال و ابهام مفهوم، نشانه ابتدایی بودن آن در نزد اقوام است. شرح و بسط مفهوم هرچند از طریق حلاجی همان اسامی صورت می گیرد اما سرانجام تمام مفهوم با کم ترین ابهام و اجمال در ذیل یک مقوله در می آید.

عهد جدید مفهوم جهنم را تقریباً با همان کیفیتی بیان کرده که در عهد قدیم دیده می شود. جهنم جایگاه عذاب است؛ گاهی به صورتی بیان می شود که گویی جاودانه و همیشگی است و گاه به گونه ای که گویا موقت و ناپایدار است. گاهی سرزمین آتش و گریه و فشارهای دندان است؛ زمانی مگاک و گودال بی انتهایی است که دوزخیان را می بلعد و گاهی همچون گور سرد و تاریک است. جهنم مسیحی همچون سلف آن، مرگب از آتش و یخ است؛ آتش<sup>۰</sup> سزایی است آمیخته با زمهریر. چاله

متعفن و مشتعلی است که جانوران عجیب در آن به سر می برند؛ عالم اموات است و رودهایی از آتش در آن جاری است. سیاهچاله هایی دارد که در آن کرم های کثیف خطاکاران را می گزند؛ دریای آتش آن گناهکاران را در خود فرو می برد. مکان هایی دارد که خون و آتش و فضله متعفن و کثافت در آن ها جاری است و زنان گناهکار را تا گلو در آن ها فرو می کنند. باتلاق هایی از آتش جوشان دارد که کفار را در خود فرو



به واسطه گذشتگان تا ابد همراه خداوند باقی خواهد ماند بی آن که بر تعداد جهنمیان افزوده شود. امری که همراه ذات الهی دوام دارد، ناگزیر همانند او در کار است همان گونه که جهان پس از آخرت و رستاخیز نیز در کار است؛ و اگر تصور شود که این همراهی ناگزیر و به سبب گذشته است، تنها می تواند بازتاب خشم و غضب و کینه توزی خداوند تلقی گردد. این نسبت ها از خداوند به دور است، بنابراین چنین تناقضی نمی تواند همراه ذات خداوندی تا ابد جریان یابد. این گرایش همان گونه که در سطور فوق اشاره شد، از نخستین قرون



قائل می شوند. آن ها به داخل جهنم نمی روند بلکه نزدیک جهنم توقف می کنند. این مکان را پیشخوان جهنم Purgatory - Fegfeuer می خوانند. جهنم مسیحی هرچند منصوص است اما فاقد کیفیت و کمیت می باشد و به همین خاطر بیشتر از طریق روایت و خبر و استدلال متعین می شود. جهنم مسیحی از دو منظر

میلادی در مسیحیت وجود داشت و از همان زمان مبارزات سنگینی علیه آن صورت گرفت. طرفداران این فکر معتقد به برقراری دوباره همه چیز Apokatastasis و بخشودگی و استقرارهماهنگی در جهان می باشند. اما کلیسا از همان زمان با تکیه بر اشارات عهد جدید به ابدیت و جاودانگی دوزخ و عذاب، تلقیات یاد شده را انحراف از اصول و پیروان آن را رافضی مذهب نامید. یکی از بزرگان و پیروان این تلقی اریکنس نام داشت. کلیسا مشخصاً او و پیروانش را رافضی نامید. بر خلاف کلیسای کاتولیک، پروتستان ها به نجات

نگریسته می شود: منظر اول آن است که این مرتبه از آخرت شناسی، جاودان و ابدی است؛ و منظر دیگر آن است که جهنم ناپایدار است.

توجیه گرایش اول بر این پایه استوار است که جاودانگی جهنم ناشی از ذات و خواست الهی است و نمی توان این جاودانگی را به سبب تعارض آن با اراده آدمی که خواهان تخفیف در مجازات گناهکاران نوع خود است، محدود کرد. به نوشته آقای آشتیانی در کتاب تحقیق در دین مسیح، این گرایش نظر رسمی کلیسای کاتولیک است و آن را لازمه الوهیت می داند. اما گرایش دوم که از قرون اولیه مسیحی باقی مانده است، گمان دارد که دوام جهنم و ابدیت آن با ذات الهی و عدالت مطلق و خیریت محض خداوند منافات دارد. به این دلیل که در صورت دوام جهنم، دوام شر نیز بر آن مترتب است و از آن جا که جهان بازپسین، جهان آینده بشری از هر نوع آلودگی و فساد و شرارت خالی است، این مکان بی انتها و ابدی فقط

جهنم وسیله اساسی برای اطاعت و تبعیت مسیحیان از کلیسا و اجزاء آن به شمار می آمد



می پیوندند. تفاوت تلقیات زرتشتی و مسیحی در این جاست که زرتشتیان معتقدند به دنبال این داوری نهایی، پالایش نهایی همهٔ مردمان از بازماندهٔ گناهانشان صورت می گیرد و از این پالایش، همگی به استثنای دیوان و اهریمنان، پاک و بی لکه از آزمایشگاه خارج می شوند. به این ترتیب مکافات گناهکاران قطع شده و همگی مردم سرانجام به حیات جاودانی بهشتی وارد می شوند و به ستایش بزرگی و شکوه خداوند می پردازند. هیچ کس به خاطر گناهی که در زمان انجام داده، برای ابد مجازات نمی بیند. برای زرتشتیان و هم چنین مسیحیان، داوری و قضاوت دربارهٔ روان افراد پس از مرگ تنها مقدمهٔ داوری روز نهایی است. در مسیحیت حکم ابدی خداوند راجع به روان انسان که هنگام درگذشت وی، صدور قطعی و لایتغیر پیدا می کند "روزی که حتی راستکاران و عادلان از خشم خداوند در امان نیستند" هم چنان تأکید می شود و نقطهٔ افتراق تلقیات زرتشتی - مسیحی دربارهٔ آخرت در همین جاست که زرتشتیان تمام ایام تطهیر نهایی را محدود به سه روز می دانند و گرایش رسمی کلیسای کاتولیک آن را ابدی تلقی می کند.

قطعی و پایانی انسان و حذف مرحلهٔ دائمی عذاب اعتقاد دارند و کلیسای انگلیکون بر این باور است که: "امروزه هیچ کس نیست که کتاب مقدس را چنان تفسیر کند که گویی پس از رستاخیز، بدکاران الی الابد در وادی بنی هنوم، هاویه، توفت یا جهنم مجازات خواهند شد و یا این که پس از حشر، در روز محشر دوباره به زیر زمین و یا زیر آب خواهند رفت و یا این که پس از روز جزا و قیامت دیگر یکدیگر را نخواهند دید و از مکانی به مکان دیگر نخواهند جنبید. پس ضرورتاً چنین برمی آید که آن چه بدین صورت دربارهٔ آتش دوزخ گفته شده است، سخنی استعاری است".

آن گرایش مسیحی که جهنم را ناپایدار می داند، تا حدود زیادی به تلقی زرتشتیان از جهنم نزدیک است. به اعتقاد زهر، در دیانت زرتشتی پالایش نهایی از زنگار گناه در پایان جهان و ضمن داوری نهایی صورت می گیرد و در همین جاست که دیانت های زرتشتی و مسیحی به یکدیگر نزدیک می شوند. به زعم زرتشتیان و مسیحیان، داوری روان در دو مرحله صورت می گیرد: بار اول پس از مرگ و بار دوم پس از رستاخیز همگانی که در این مرحله ارواح به بدن ها



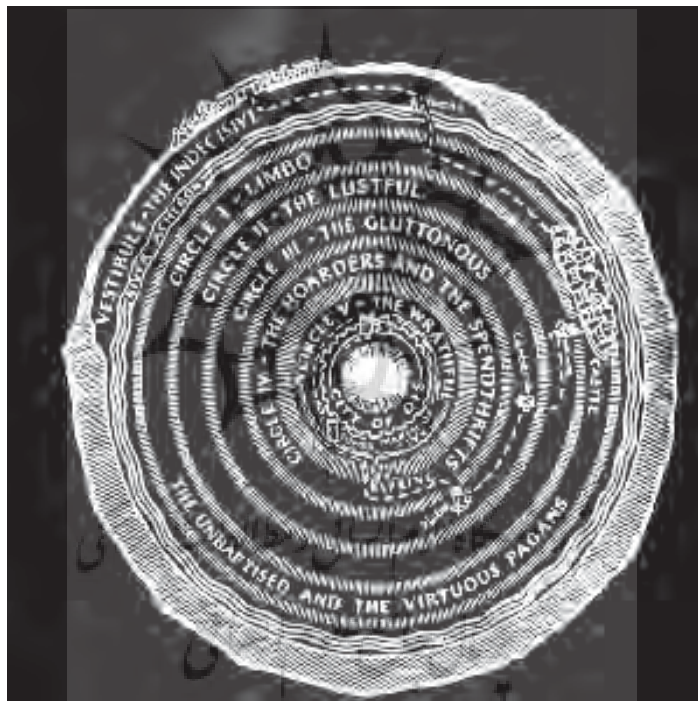


جهنم، ظلمات مطلق و سرمای ابدی طبقه نهم جهنم یعنی آن جایی است که شیطان در وسط آن مستقر است. جهنم مرکب از نه طبقه و هر طبقه مخصوص گناهکاران معینی است. طبقه بندی گناهان در دوزخ طبق نظریه فلسفی ارسطو صورت گرفته است. در این نظریه، گناهان به دو دسته افراط کاری و بدخواهی تقسیم می شوند.

گناهان طبقه اول، آن دسته گناهان هستند که اگر جانب اعتدال نگاه داشته شود، فی نفسه جرم نیستند ولی همین که از این حد تجاوز کنند و به صورت اساس زندگی درآیند، جرم تلقی می شوند.

از این قبیل است: غرایز جنسی، شکم پرستی، خست، اسراف، خشم و غضب.

گناهان طبقه دوم، آن دسته از گناهان هستند که با سوء نیت و به قصد اضرار صورت می گیرد و به دو دسته گناهان ناشی از زور گویی و تعدی و گناهان ناشی از مکر و حیله تقسیم شده است. در این طبقه از گناهان،



بدترین نوع آن، حیله و غدر است که از گناه زورگویی و تجاوز نیز نابخشودنی تر است.

دائمه گناه آن گونه از زناکاری را که به دلیل عشق صورت گرفته است، مستحق اغماض و تخفیف می داند و آن را در طبقه پنجم دوزخ قرار داده است و گناه زورگویی و تعدی را در طبقات وسط؛ ولی گناه مکر و حیله را در آخرین طبقات دوزخ نهاده و ساکنین آن را مستحق سخت ترین عذاب ها و مکافات های جهنم می داند. در این پنج طبقه، گناهکارانی سکونت دارند که بار گناهانشان کمتر است و مخصوص کسانی است که به جرم آزمندی و افراط کاری به دوزخ افتاده اند.

جهنم مسیحی در طی قرون متمادی موضوع گفتارها و مواظ کشیشان و مباحث کلامی و غیره بوده است. جهنم وسیله اساسی برای اطاعت و تبعیت مسیحیان از کلیسا و اجزاء آن به شمار می آمد و صدها کتاب و رساله دینی و کلامی و ادبی در باب جهنم نوشته شده است، اما مشهورترین و بهترین توصیف از این مرحله آخرت شناسی مسیحی، در کتاب بزرگ کمدی الهی دانته دیده می شود. دانته سفر خود را از جهنم آغاز می کند و این مرحله وسیع آخرت را از شدت آزار و عذاب که سبب فرسودگی و خستگی متزاید او می گردد، فقط در عرض

یک روز پشت سر می نهد. دوزخ دانته در زیر زمین و عمق ظلمات و تاریکی واقع شده است. این مکان از زیر قشر بالایی زمین شروع شده و در نقطه مرکزی زمین به پایان می رسد. در نقطه مرکزی، شیطان - فرمانروای دیاررنج - مکان دارد و قلمرو عظیم خود را اداره می کند. شکل دوزخ شبیه حفره ای طولانی است و خانه ظلمت و سرما و کینه و جهل و ترس و

ضعف و آتش، یعنی همه آثار شرارت است که از جانب شیطان می آید و باز به او باز می گردد. دوزخ دانته مصداق تلقی رسمی مسیحیت از جهنم است. این مرحله غیر قابل بازگشت بوده و خانه ناامیدی و محرومیت ابدی از امید به رستگاری است. تمام گناهکاران به این سرزمین می آیند و هر کس که گناهش سنگین تر است به پایین تر فرو می افتد. یهودا اسخریوطی از فرط سنگینی گناه، در دهان شیطان قرار گرفته است. در جهنم برحسب این که میزان گناه تا چه اندازه است، نوع مجازات و عذاب و کیفر تعیین می شود؛ به تعبیر دیگر مجازات ها برابر میزان گناهان است. سخت ترین قسمت های



هستند که قبل از غسل تعمید مرده اند. ساکنان این طبقه، امید رفتن به بالا را ندارند. از نظر دانتی دسته ای از ملائکه و آن هایی که پیش از مسیح می زیسته اند و به بهشت راهی ندارند، ساکن این طبقه از جهنم هستند.

طبقه دوم، شهوترانان؛  
طبقه سوم، شکم پرستان؛  
طبقه چهارم، خسیسان و اسراف کاران؛  
طبقه پنجم، تند خویان؛

طبقات ششم و هفتم، دوزخ سفلی نامیده می شود. گناهکاران این طبقه را در اصطلاح (Ex-Electione) می نامند و اینان در مقابل گناهکاران دسته اول قرار دارند که (Ex-Passione) نامیده می شوند. این دسته در میان حصارهای شهر دیتیه یعنی مقر اصلی ابلیس جای دارند و خود نیز به دو گروه تقسیم می شوند: اهل خشونت و ارباب حيله. طبقات شش و هفت دوزخ مخصوص متعدیان و متجاوزین است که به نحوی از انحاء به حقوق خود و خداوند و دیگران تعدی کرده اند اما مکر و حيله ای

طبقه اول مخصوص بی تکلیفان است یعنی آن دسته از ارواحی که گناهکار نیستند اما چون غسل تعمید نیافته اند، در بهشت نیز راهی ندارند و در عین حال عذاب بی هم نمی بینند. اینان تا ابد در همین مکان بلا تکلیف خواهند ماند. این محل لیمبو limbo نام دارد. در تعریف آن گفته شده: " مکانی که نه بهشت است و نه جهنم؛ میان بهشت و جهنم جایی که ارواح کسانی که عمل بدی انجام نداده اند به آن جا می روند اگرچه مسیحی نباشند" و شاید همان اعراف یا برزخ باشد. گروهی از مسیحیان می گویند که ساکنان این طبقه بیشتر از کودکانی

جهنم مسیحی میراثی است که از یهود و عهد عتیق به مسیحیت و عهد جدید رسیده است و به همان دلیل در آغاز مسیحیت فاقد موقعیت معین و معلوم بود.



دارد و یهودا که به ولی نعمت خود عیسی خیانت کرده، در کام اوست). از چنین ورطه ای هیچ دوزخی گناهکاری امید خلاصی ندارد و ظاهراً باید تا ابدیت متحمل مجازات و عذاب باشد.

دائمه چنین سرزمین زشت و پلید و بی قابلیت را با چنان اشعار زیبایی تشریح کرده است که می توان گفت عمق پلیدی ها و مردم ستیزی آن سرزمین را بدون هر گونه پرده پوشی و دراز گویی و شرح و تفصیل های ملال آور فقط با چند عبارت ساده، مجمل و فشرده بیان کرده است. او نوشته است :

از من داخل شهر آلام می شوند.

از من به سوی رنج ابد می روند.

از من پا به جرگه گمشدگان می گذارند.

عدالت، صانع والای مرا به ساختنم برانگیخت.

پدید آورنده ام ، قدرت الهی بود.

و عقل کل و عشق نخستین

پیش از من هیچ چیز آفریده نشده بود

که جاویدان نباشد و من خود، عمر جاودان دارم.

شما که داخل می شوید !

دست از هر امیدی بشوید !!

به کار نبرده اند؛ اینان عبارتند از زندیقان. و در طبقه هفتم راهزنان، شاهان جبار، انتحار کنندگان، کفر گوینان، لواط کاران و رباخواران قرار دارند.

طبقات هشتم و نهم یعنی سخت ترین طبقات دوزخ، خاص اهل غدر و ریاکاران است. طبقه هشتم پیچیده ترین طبقات دوزخ است و مقرّ دسته ای از حيله گران است که گناهشان نسبت به دسته قبلی سخت تر و نسبت به دسته بعدی سهل تر است. اینان عبارتند از: قوآدان، دزدان ناموس، چاپلوسان، وقف خواران، غیب گوینان، جادوگران، رشوه خواران، سوداگران نادرست، ریاکاران، دزدان، رایزنان مزور، منافقان و نفاق افکنان و جاعلین. طبقه نهم یعنی ظلمات و سرمای مطلق خاص بدترین دسته از تمام دوزخیان یعنی خیانت کاران است. اینان کسانی هستند که عواطف بشری را زیر پا نهاده و پیوند محبت و اعتماد را که باید وصل کننده ابناء بشر باشد، بریده اند. جرم خیانت، در دوزخ دانه سنگین ترین جرم هاست. ساکنان این طبقه عبارتند از: خائنین به اصل فرزندی و خویشاوندی، خائنین به وطن و هموعان، خائنین به اصول مهمانداری، خائنین به ولی نعمت (در مرکز طبقه نهمین است که شیطان اعظم یا مظهر خیانت به ولی نعمت خود یعنی خداوند جای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
جهنم مسیحی هر چند منصوص است  
اما فاقد کیفیت و کمیت می باشد و به  
همین خاطر بیشتر از طریق روایت و  
خبر و استدلال متعین می شود.

منابع:

۱- جهان مذهبی،

۲- تاریخ جامع ادیان ، جان بی. ناس، ترجمه علی اصغر حکمت

۳- تحقیق در دین مسیح ، جلال الدین آشتیانی

۴- تعالیم مغان، آر. سی. زنر

۵ - Longman Dictionary of English language & Culture

۶- کمدی الهی ، مجلد دوزخ، دانته، شجاع الدین شفا